حملات جدید آمریکا به ایران، موضع چین و اوج‌گیری بحران‌های ایران!

بهرام رحمانی
bahram.rehmani@gmail.com

حملات جدید آمریکا به ایران و حملات تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی به اردن، قطر، اقلیم کردستان عراق و...، بار دیگر همه جنگ‌طلبان از ترامپ گرفته تا خامنه‌ای، از طرفداران رضا پهلوی و رسانه‌هایی چون تلویزیون انترنشنال گرفته تا هسته مرکزی جمهوری اسلامی و اصول‌گرایان و رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران و غیره را به وجد و شادی درآورده است. چرا که امورات و سیاست‌های آن‌ها، با جنگ و کشتار، تجاوز و اعدام گره خورده است.
بزرگ‌ترین ضربات تاکنونی این جنگ ویرانگر که از سال گذشته آغاز شده و با مذاکره و جنگ همراه بوده است به مزدبگیران و مردم عادی، زیرساخت‌های اقتصادی و محیط زیست ایران و برخی کشورهای منطقه، وارد شده است. جمهوری اسلامی ایران، تنها به فکر بقای خودش است و نه در گذشته و نه اکنون، کم‌ترین اهیمیت به زیست و زندگی مردم نمی‌دهد و فراتر از آن، هر گونه مطالبه و اعتراض کارگران، بیکاران، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و شهروندان عادی را با سرکوب و زندان، اعدام و کشتار در خیابان‌ها جواب می‌دهد. به همین دلیل، اکثریت مردم ایران شدیدا مخالف جمهوری اسلامی و حتی خواهان برکناری آن هستند و هم‌زمان مخالف جنگ و دخالت خارجی در امور داخلی و مبارزه خود هستند.

خانه محل عروسی که موشک‌ها به آن اصابت کردند

در حملات هوایی آمریکا به بندر کوهستک شهرستان سیریک، چهار نفر از جمله یک زن و یک کودک که در مراسم عروسی شرکت داشتند کشته و ۶۵ نفر مجروح شدند. به گزارش رسانه‌های ایران بخش بزرگی از مجروحان هم زن و کودک هستند.
مقام‌های آمریکایی گفتند ارتش ایالات متحده در جریان دور جدید حملات خود که روز سه‌شنبه انجام شد، دو نفت‌کش متعلق به دولت ایران را هدف قرار داده است. این نخستین باری است که ارتش آمریکا به‌عنوان پاسخ به حملات ایران علیه کشتی‌ها در تنگه هرمز، نفت‌کش‌های ایرانی را مورد حمله قرار می‌دهد. نه برای جلوگیری از نقض محاصره دریایی توسط آن‌ها.
مقام‌های آمریکایی گفتند ارتش ایالات متحده در جریان دور جدید حملات خود که روز سه‌شنبه انجام شد، دو نفت‌کش متعلق به دولت ایران را هدف قرار داده است. این نخستین باری است که ارتش آمریکا به‌عنوان پاسخ به حملات ایران علیه کشتی‌ها در تنگه هرمز، نفت‌کش‌های ایرانی را مورد حمله قرار می‌دهد. نه برای جلوگیری از نقض محاصره دریایی توسط آن‌ها.
جمهوری اسلامی ایران می‌گوید دیشب بیش از ۴۰ نقطه در جنوب و مرکز هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفته است و چهار غیرنظامی که در یک مراسم عروسی در بندر کوهستک شهرستان سیریک شرکت کرده بودند کشته شدند و ۵۰ نفر بستری هستند.
مقام‌های استان خوزستان هم از کشته‌شدن هفت نفر در حملات هوایی آمریکا خبر داده‌اند. آمریکا حمله به «غیرنظامیان» را رد کرده و گفته است که حملات متوجه پایگاه‌ها و تجهیزات سپاه پاسداران بوده است.
جمهوری اسلامی ایران می‌گوید به تلافی به پایگاه‌های آمریکا در اردن، بحرین و کویت حمله پهپادی و موشکی کرده است.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا(سنتکام) در پیامی خبر از حملاتی تازه به مواضع سپاه پاسداران در داخل ایران داده است. آمریکا در این پیام که سه‌شنبه ۱۰ شهریور–یکم سپتامبر، در شبکه ایکس منتشر شده شرح می‌دهد: «این حملات در پی تلاش‌های اخیر سپاه پاسداران برای حمله به کشتیرانی تجاری در تنگه هرمز و هم‌چنین علیه پرسنل نظامی آمریکا، مستقر در منطقه صورت می‌گیرد.»

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا نیز در پیامی جدید در تروث سوشال نوشت: «آمریکا همین الان که ما صحبت می‌کنیم، در حال حمله به اهداف ایرانی در نزدیکی تنگه هرمز است اگر جمهوری اسلامی به این حمله پاسخ دهد، آن‌ها دوباره در سطح بسیار سخت‌تر و بالاتری هدف گرفته می‌شوند.» او این حملات را «تلافی تلاش شکست‌خورده ایرانی‌ها برای گذاشتن مین در تنگه و شلیک هشت موشک ایرانی به پایگاه‌های آمریکا در اردن عنوان کرد. او نوشته است که «بزرگ‌ترین حمله» هنوز در راه است و در اثر آن «چیز کمی از جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.»

هم‌زمان تسنیم، خبرگزاری نزدیک به سپاه نیز از گزارش‌هایی مبنی بر شنیده‌شدن صدای انفجار در مناطقی از بندرعباس، سیریک و قشم در شامگاه سه‌شنبه خبر داده است.

تسنیم نوشت: «بر اساس گزارش‌های اولیه منابع محلی، شرکت پودر ماهی در شهر سوزا مورد اصابت قرار گرفته است؛ با این حال، جزئیات مربوط به میزان خسارت و تلفات احتمالی هم‌چنان در دست بررسی است و تاکنون اطلاعات رسمی در این‌باره منتشر نشده است.»

سنتکام حمله به مواضع سپاه در جنوب ایران. انفجار در چابهار، کنارک، سیریک، بندرعباس و قشم.

سنتکام اعلام کرد بیش از ۵۰ هزار نظامی آمریکایی در حال حاضر در سراسر خاورمیانه مستقر هستند.فرماندهی مرکزی آمریکا افزود نیروهای آمریکایی همچنان در حالت آماده‌باش قرار دارند و برای ادامه عملیاتی که رئیس‌جمهور آمریکا دستور دهد، آماده هستند.

جمهوری اسلامی ایران، واکنش نظامی خود به حملات آمریکا را آغاز کرد و از شلیک موشک و اعزام پهپاد به سمت اهداف آمریکایی در منطقه خبر داد. سپاه پاسداران نیز تهدید کرد تنگه هرمز را «به‌طور کامل» مسدود خواهد کرد.

ارتش کویت اعلام کرد سامانه‌های پدافند هوایی این کشور با پهپادهایی مقابله کرده‌اند که به‌گفته ارتش کویت از سوی ایران به پرواز درآمده بودند.

ارتش کویت گفت صداهای انفجار شنیده‌شده در این کشور ناشی از عملیات رهگیری این پهپادها بوده است. مقام‌های کویتی تاکنون خسارت ناشی از این حملات یا عملیات رهگیری خبر نداده‌اند.

وزارت کشور بحرین نیز درباره وجود خطر هشدار داد و از شهروندان و ساکنان خواست به نزدیک‌ترین مکان امن مراجعه کنند و دستورالعمل‌های رسمی را رعایت کنند. بحرین پس از آن اعلام کرد سامانه‌های دفاعی این کشور پهپادهای ایرانی را رهگیری و منهدم کرده‌اند.

خبرنگار العربیه از سرنگونی دو پهپاد در اربیل و مناطق اطراف آن در شمال این کشور خبر داد. یک منبع به العربیه گفت این دو پهپاد پیش از سرنگونی به سمت پایگاه آمریکایی در فرودگاه اربیل در حرکت بودند. تاکنون گزارشی درباره خسارت احتمالی منتشر نشده است.

خبرنگار العربیه، هم‌چنین گزارش داد هم‌زمان با فعال شدن سامانه پدافند هوایی ائتلاف بین‌المللی در اربیل، صدای انفجار در این شهر در منطقه کردستان عراق شنیده شده است.

در اردن نیز نیروهای مسلح این کشور اعلام کردند پدافند هوایی با ۱۳ موشک بالستیک در حریم هوایی اردن مقابله کرده است. به‌گفته ارتش اردن، ۱۰ موشک رهگیری و منهدم شدند و سه موشک دیگر در مناطق دورافتاده سقوط کردند و خسارت جانی به همراه نداشتند.

هم‌چنین یک مقام آمریکایی به «رویترز» گفت هیچ گزارشی از زخمی شدن نیروهای آمریکایی مستقر در اردن دریافت نشده است.

رییس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(قرارگاه عملیاتی جنگ) توان نظامی ایران را بسیار بالا خواند و گفت، توانمندی‌های دفاعی کشور در عرصه هوا از جمله مرهون پدافندی قدرتمند برای خنثی‌سازی هر گونه تهدید است.

علی عبداللهی در پیامی که در رسانه‌های داخلی منتشر شده نوشت که این توانمندی‌ها از جمله به دلیل «پدافند تهاجمی و شبکه‌سازی یکپارچه، فعال و پویا و پیش‌دستانه بودن پدافند، هم‌چنین اتصال تمامی لایه‌های شناسایی، راداری و موشکی در قالب یک شبکه هوشمند و مقاوم برای رهگیری و خنثی‌سازی هرگونه تهدید احتمالی در دورترین نقاط است.»

او «بومی‌سازی و هوشمندسازی سامانه‌ها با توسعه فناوری‌های نوین و به‌کارگیری سامانه‌های مختص به جنگ الکترونیک و سایبری» را نیز از جمله دلایل دیگر این توانمندی ادعایی خود نامید.

عبداللهی، هم‌چنین ادعا کرد: «بی‌تردید اتکا به توان داخلی و جوانان نخبه برای ارتقاء توان رزم الکترونیک و سایبری پدافند لازمه تداوم بازدارندگی فعال در برابر تهدیدات روزافزون دشمنان و پاسخگویی به‌موقع، انقلابی و مؤثر به هر سطح و نوع از تهدیدات متعارف و نوین نظامی ... در هماهنگی و هم‌افزایی با قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاست.»

ادعاهای عبداللهی، در حالی بیان شده است که تشدید تحریم و محاصره آمریکا علیه ایران، جمهوری اسلامی را در توسعه «تسلیحات بومی» هم با دشواری‌های بیش‌تری روبه‌رو خواهد کرد. علاوه بر این، گفته می‌شودک که حملات آمریکا به سامانه‌های شناسایی و رصدی ایران در شش ماه اخیر نیز توان تهاجمی این کشور را با محدودیت‌هایی روبرو کرده است.

محمدرضا نقدی، مشاور فرمانده کل سپاه با تاکید بر این که جمهوری اسلامی در حال اجرای تعهدات مندرج در تفاهم‌نامه‌ای است که در پاکستان با آمریکا بسته شد، تهدید کرد که اگر به ایران حمله شود «دشمن بهای سنگینی خواهد پرداخت.»
به گزارش روزنامه خراسان، او در گفت‌وگو با شبکه المیادین رابطه بین دولت و سپاه پاسداران را «در بهترین وضعیت خود» خواند و هشدار داد که ایران تا کنون «جنگ متعارف» می‌کرده و هنوز وارد جنگ نامتقارن نشده است: «جنگ نامتقارن یعنی جنگ در وال‌استریت، در منهتن و در هر مکان و هر زمانی.»
نقدی مدعی شد که دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، در جنگی که با ایران به راه انداخته به دنبال «سودآوری در بازار سهام» یا منفعت‌رسانی «به حلقه نزدیکانش در بخش نفت» است: «اگر آمریکایی‌ها بخواهند تصمیمی عقلانی بگیرند که تامین‌کننده منافع‌شان باشد، جنگ دیگری علیه ما به راه نخواهند انداخت.»
نقدی اولویت جمهوری اسلامی را «نه جنگ و نه مذاکره» بلکه «بازدارندگی» خواند و مدعی شد: «بیش از ۹۰ درصد ذخایر موشکی ایران دست‌نخورده باقی مانده است و تمام تاسیسات در مکان‌های بسیار امنی بازسازی شده‌اند و با استفاده از فناوری‌های مدرن و پیشرفته با نرخ تولید بالاتر فعالیت می‌کنند.»
این در حالی است که روز نهم شهریور، ترامپ در پیامی جدید جمهوری اسلامی را «شکست‌خورده» نامید و در شبکه تروث سوشال نوشت: «آن‌ها نیروی دریایی ندارند، نیروی هوایی ندارند، ارز ندارند، حقوق سربازان یا پلیس خود را پرداخت نمی‌کنند، نرخ تورم به ۳۰۰ درصد رسیده است.»
ترامپ رهبری ایران را «آشفته و ناتوان از نمایندگی شایسته کشور» نامید و گفت: «تنها چیزی که دارند، اخبار جعلی از ایالات متحده، تمایل به کشتن معترضان خود و مهارت در گفتن مزخرفات است.»

در چنین شرایطی، حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی، در گفت‌وگو با «اکوایران» درباره شروط چین برای سفر قالیباف به پکن گفت: «خیلی روشن به ما گفته‌اند که تنگه هرمز را باز می‌کنید، عوارض نمی‌گیرید، با عربستان سعودی و آمریکا مسئله‌تان را حل می‌کنید، بعد قالیباف به چین بیاید.»
در حقیقت این موضع چین، تاثیر زیادی در بحران‌تر شدن اوضاع اقتصادی ایران خواهد داشت. چرا که چین یکی از مهم‌ترین مشتریان نفت ایران و حامی این حکومت در نهادهای بین‌المللی بوده است.
به گزارش امارات فارسی، طبق آخرین آمار منتشرشده، میزان سرمایه‌گذاری چین در ایران تنها ۶۰۰ میلیون دلار بوده است؛ رقمی که در مقایسه با کشورهای همسایه، بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. برای نمونه، عربستان سعودی موفق شده بیش از ۵۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چینی جذب کند. امارات متحده عربی نیز با حدود ۱۵٫۸ میلیارد دلار و قطر با ۱۰ میلیارد دلار، جایگاه‌های بالاتری در اولویت‌های اقتصادی پکن دارند.
به گزارش امارات فارسی، این اختلاف چشمگیر در سرمایه‌گذاری‌ها، پرسش‌هایی را درباره جایگاه واقعی ایران در سیاست‌های اقتصادی چین مطرح می‌کند- به‌ویژه در شرایطی که روابط سیاسی تهران و پکن با عناوینی چون «شراکت راهبردی» تبلیغ می‌شود.
سرمایه‌گذاری چین در عربستان سعودی حدود ۸۸ برابر، در امارات بیش از ۲۶ برابر و در قطر حدود ۱۶ برابر بیش‌تر از ایران است. در مجموع مبلغ سرمایه‌گذاری چین در عربستان سعودی، امارات و قطر بیش از ۱۳۰ برابر ایران بوده است که به‌خوبی جایگاه حاشیه‌ای ایران در اولویت‌های اقتصادی چین را نشان می‌دهد.
حتی چندی پیش جمهوری خلق چین از ادعای امارات متحده عربی درباره مالکیت بر جزایر سه‌گانه و راه‌حل‌های ابوظبی برای حل‌وفصل این موضوع حمایت کرده بود.

فقر و فلاکت اقتصادی و تورم و گرانی در ایران به مرز غیرقابل تحملی رسیده است. حتی استادان دانشگاه نیز در رابطه با «ترمیم حقوق و تعلیق فعالیت‌های دانشگاهی هشدار داده‌اند. کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران در بیانیه‌ای هشدار داده است اگر مصوبه ترمیم حقوق اعضای هیhت علمی تا پایان شهریورماه به‌طور کامل اجرا نشود، از ابتدای مهر از استادان و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها خواهد خواست تمامی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، اجرایی و مشاوره‌ای خود را به حالت تعلیق درآورند. این هشدار که در چند رسانه و کانال مرتبط با جامعه دانشگاهی بازتاب یافته، یکی از جدی‌ترین موضع‌گیری‌های صنفی استادان در ماه‌های اخیر به شمار می‌رود.
در متن بیانیه آمده است پس از حدود دو سال بررسی کارشناسی و طی شدن مراحل قانونی، انتظار می‌رفت اجرای «ترمیم حقوق» بخشی از مشکلات معیشتی اعضای هیئت علمی را جبران کند، اما به گفته کانون، این مصوبه همچنان به‌طور کامل اجرا نشده است. کانون، سازمان برنامه و بودجه و به‌ویژه مدیریت این سازمان را به «مانع‌تراشی‌های سلیقه‌ای و خارج از عرف» متهم کرده و گفته است مکاتبات، مذاکرات و رایزنی‌های انجام‌شده تاکنون به نتیجه نرسیده‌اند.
موضوع ترمیم حقوق استادان از ماه‌ها پیش محل اختلاف بوده است. فرهاد وفایی، عضو شورای مرکزی کانون صنفی استادان، خردادماه گفته بود این طرح در اواخر سال ۱۴۰۴ تصویب شده اما تاخیر در اجرای آن، موجی از نارضایتی و سرخوردگی در میان اعضای هیئت علمی ایجاد کرده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مصوبه شورای حقوق و دستمزد در اسفندماه سال گذشته و با حمایت دولت تصویب شده بود، اما اختلاف در نحوه اجرا و تامین منابع مالی مانع پرداخت کامل آن شده است.

کانون صنفی استادان در بیانیه تازه خود، تاکید کرده است ادامه این وضعیت تنها یک مسئله معیشتی نیست و پیامدهای گسترده‌تری برای دانشگاه‌ها خواهد داشت. در این بیانیه از «خروج نخبگان»، کاهش بهره‌وری علمی و آسیب به سرمایه انسانی کشور به‌عنوان نتایج ادامه بی‌توجهی به وضعیت استادان یاد شده است. به گفته کانون، بی‌اعتنایی به جایگاه و معیشت اعضای هیات علمی نمی‌تواند بدون واکنش باقی بماند.
فشار اقتصادی بر جامعه دانشگاهی در شرایطی افزایش یافته که تورم شدید و کاهش ارزش پول ملی، قدرت خرید حقوق‌بگیران را به‌شدت کاهش داده است. اعضای هیئت علمی نیز مانند بسیاری از گروه‌های مزدبگیر و حقوق‌بگیر با افزایش مستمر هزینه‌های مسکن، خوراک، درمان و سایر هزینه‌های زندگی روبه‌رو هستند. نمایندگان کانون صنفی در ماه‌های گذشته بارها هشدار داده‌اند که پایین ماندن سطح دریافتی استادان، انگیزه ماندن در دانشگاه‌ها را کاهش داده و مهاجرت نیروهای متخصص را تشدید کرده است.
با این حال، آن‌چه کانون اعلام کرده هنوز به‌معنای آغاز قطعی اعتصاب یا تعطیلی دانشگاه‌ها نیست. بیانیه می‌گوید در صورت اجرا نشدن کامل مصوبه تا پایان شهریور، کانون از اعضای هیات علمی خواهد خواست فعالیت‌های خود را تعلیق کنند. میزان همراهی دانشگاه‌ها و استادان با چنین فراخوانی، در صورت صدور، هنوز روشن نیست و به تحولات هفته‌های آینده بستگی خواهد داشت.
این تهدید در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر فراخوان تعلیق فعالیت‌ها عملی شود و دامنه قابل توجهی پیدا کند، می‌تواند کلاس‌های درس، پروژه‌های پژوهشی، فعالیت‌های مدیریتی و حتی بخشی از روندهای اداری دانشگاه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. کانون تأکید کرده است که تعلیق احتمالی تنها به تدریس محدود نخواهد بود و فعالیت‌های پژوهشی، اجرایی و مشاوره‌ای را نیز دربر خواهد گرفت.
از سوی دیگر، سازمان برنامه و بودجه در ماه‌های گذشته از برخی افزایش‌ها در دریافتی اعضای هیئت علمی سخن گفته و درباره حقوق استادان دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز دستورالعمل‌هایی صادر شده است. با این حال، کانون صنفی استادان معتقد است این اقدامات با مصوبه اصلی ترمیم حقوق فاصله دارد و خواهان اجرای «کامل و بدون قید و شرط» آن است. همین اختلاف در تفسیر و نحوه اجرای مصوبه اکنون به نقطه‌ای رسیده که تشکل صنفی استادان تهدید به اقدام جمعی کرده است.
اگر دولت و سازمان برنامه و بودجه تا پایان شهریور راه‌حلی برای این اختلاف پیدا نکنند، آغاز مهر می‌تواند با یکی از جدی‌ترین اعتراض‌های سازمان‌یافته استادان دانشگاه در سال‌های اخیر همراه شود. بیانیه تازه نشان می‌دهد مسئله‌ای که ماه‌ها در قالب مکاتبه و مذاکره دنبال می‌شد، اکنون وارد مرحله تهدید به اقدام صنفی شده است؛ اقدامی که در صورت گسترش، می‌تواند بحران معیشتی دانشگاهیان را به یکی از موضوعات مهم آغاز سال تحصیلی جدید تبدیل کند.

از سوی دیگر، عبدالرضا دیانی، مدیرکل دانشجویی وزارت بهداشت گفته نرخ ژتون تغذیه دانشجویان دو برابر افزایش خواهد یافت.بر این اساس صبحانه ۶ هزار تومان، ناهار ۱۳ هزار تومان و شام ۹ هزار تومان خواهد بود.
وی مدعی شده بر اساس قانون باید ۱۰ درصد هزینه تمام‌شده غذا از دانشجویان دریافت شود، اما وزارت بهداشت این میزان را از دانشجویان دریافت نکرده است. مبالغی که از دانشجویان بابت تغذیه دریافت می‌شود، همچنان بسیار پایین‌تر از هزینه تمام‌شده غذاست.
وی هم‌چنین درباره تفاوت نرخ تغذیه دانشجویان علوم پزشکی با دانشجویان وزارت علوم اظهار کرد: با توجه به شرایط دانشجویان علوم پزشکی و انجام فعالیت‌های بالینی، نرخ‌های تغذیه آن‌ها متفاوت است و در مجموع مبالغ دریافتی از این دانشجویان پایین است. وی در خصوص اجاره بهای خوابگاه‌های دانشجویان برای مهر امسال نیز گفت: افزایشی در این زمینه نخواهیم داشت.

وب سایت حکومتی اقتصاد نیوز نیز نوشته است: دلار با ادامه مسیر صعودی وارد کانال ۲۱۱ هزار تومان شد و تا نرخ ۲۱۱ هزار و ۳۵۰ تومان بالا رفت و رکورد تاریخی جدیدی به ثبت رساند. قیمت یورو تا نرخ ۲۴۵ هزار و ۳۰۰ تومان بالا رفت و رکورد تاریخی جدیدی به ثبت رساند.
ارزش ریال ایران در آغاز هفته بار دیگر رکورد تازه‌ای ثبت کرد و نرخ دلار در بازار آزاد از مرز ۲۱۰ هزار تومان گذشت. روز دوشنبه ۹ شهریور چند منبع بازار نرخ‌هایی در محدوده ۲۱۰ تا ۲۱۱ هزار تومان گزارش کردند و برخی پایگاه‌های غیررسمی در ساعاتی از معاملات قیمت را تا ۲۱۱ هزار و ۷۰۰ تومان نیز نشان داده‌اند. شبکه اطلاع‌رسانی طلا و ارز نیز عبور دلار از مرز ۲۱۰ هزار تومان را بالاترین سطح تاریخی آن توصیف کرده است.
روند صعودی صبح سه‌شنبه ۱۰ شهریور نیز متوقف نشده است. نرخ‌های اعلام‌شده در بازار آزاد بین منابع مختلف اندکی تفاوت دارد، اما فروشندگان و پایگاه‌های رصد بازار دلار را حدود ۲۱۰ هزار و ۵۰۰ تا ۲۱۱ هزار و ۱۰۰ تومان گزارش کرده‌اند. اختلاف چند هزار تومانی میان منابع در شرایط پرنوسان بازار غیررسمی معمول است و از این رو نمی‌توان یک نرخ واحد را برای همه معاملات در نظر گرفت.
سقوط تازه ریال پس از دور جدید درگیری مستقیم ایران و آمریکا شدت گرفت. نیروهای آمریکایی روز یکشنبه دو پرتابگر متعلق به سپاه پاسداران را در جزیره لارک هدف قرار دادند؛ واشنگتن گفت این تجهیزات برای استفاده از مین‌های دریایی در تنگه هرمز آماده می‌شدند. ایران نیز در پاسخ موشک‌هایی به سوی محل استقرار نیروهای آمریکایی در اردن شلیک کرد. این نخستین تبادل مستقیم حملات نظامی دو کشور از اواخر ژوئیه بود و بار دیگر نگرانی از گسترش جنگ را افزایش داد.

فشار بر بازار ارز اما تنها نتیجه تحولات نظامی نیست. دولت دونالد ترامپ در روزهای اخیر کارزار تازه‌ای برای محدود کردن منابع مالی ایران آغاز کرده و از کشورهای عضو گروه ۲۰ خواسته روابط اقتصادی باقی‌مانده با تهران را قطع کنند. وزارت خزانه‌داری آمریکا هشدار داده است شرکت‌ها و کشورهایی که به تجارت با ایران ادامه دهند ممکن است با تحریم‌های ثانویه و محدودیت دسترسی به نظام مالی دلاری روبه‌رو شوند.
در یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها به تجارت خارجی ایران، دولت امارات متحده عربی اعلام کرده است تمام مبادلات تجاری، بازرگانی و مالی با ایران را «تا اطلاع ثانوی» متوقف می‌کند. امارات طی سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری و مالی ایران و به‌ویژه دوبی یکی از مراکز اصلی انتقال کالا و ارز به ایران بوده است. وزارت خارجه امارات این تصمیم را رسماً تأیید کرده و آن را به تشدید تنش‌های منطقه‌ای مرتبط دانسته است.
ابعاد فشار اقتصادی در داخل کشور نیز در آمارهای رسمی آشکار است. بر اساس تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه‌به‌نقطه در مردادماه به ۸۹ درصد رسیده و تورم دوازده‌ماهه ۶۹٫۹ درصد بوده است. قیمت گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز نسبت به مرداد سال گذشته حدود ۱۲۷٫۵ درصد افزایش یافته؛ رقمی که نشان می‌دهد فشار سقوط ارزش پول ملی بیش از همه مستقیماً به سفره خانوارها منتقل شده است.
در همین حال، مسعود پزشکیان گفته است حجم صادرات و واردات ایران به دلیل تحریم‌ها و محاصره دریایی آمریکا حدود ۳۵ درصد کاهش یافته است. رویترز گزارش داده واشنگتن تلاش می‌کند با محدود کردن مسیرهای بانکی و تجاری و اعمال فشار بر شرکای ایران، درآمدهای ارزی تهران را بیش از پیش کاهش دهد. تنگه هرمز نیز که پیش از جنگ حدود یک‌پنجم نفت و گاز مایع جهان از آن عبور می‌کرد، همچنان با اختلال جدی در کشتیرانی روبه‌رو است.
بانک مرکزی اکنون تلاش می‌کند مانع ادامه جهش نرخ ارز شود. عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی، روز سه‌شنبه گفت ایران «ارز کافی» در اختیار دارد و بانک مرکزی آماده است برای آرام کردن بازار تا دو میلیارد دلار ارز تزریق کند. او وضعیت اقتصادی و معیشتی را «دشوار» توصیف کرد، اما ادعای فروپاشی اقتصاد را «جنگ روانی» خواند.
این وعده در شرایطی مطرح شده که ظرف کمتر از یک سال ارزش ریال تقریباً نصف شده است. داده‌های بازار نشان می‌دهد دلار در شهریور سال گذشته حدود ۱۰۲ تا ۱۰۳ هزار تومان معامله می‌شد و اکنون به بیش از ۲۱۰ هزار تومان رسیده است. به این ترتیب، افزایش اسمی دستمزدها و درآمدهای ریالی برای بخش بزرگی از جامعه در برابر رشد ارز و تورم عملا خنثی شده است.

معاون اجرایی رییس‌جمهور ایران، بانک‌ها را عامل ۶۷ درصد تورم در کشور معرفی و هم‌زمان اذعان کرد که دولت به‌دلیل ناترازی بودجه ناچار به چاپ پول است؛ او هم‌چنین جنگ را عامل دیگری برای تشدید تورم دانست.
محمدجعفر قائم‌پناه، روز دوشنبه ۹ شهریور به خبرگزاری ایسنا گفت تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران بین ۳۰ تا ۸۰ درصد است و تایید کرد که نرخ تورم مواد غذایی به ۱۲۳ درصد رسیده است. او با این حال جهش قیمت مواد غذایی را ناشی از حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و تبدیل آن به ارز ۱۴۰ هزار تومانی دانست و گفت این اقدام در ماه‌های نخست حدود شش درصد تورم به مردم تحمیل کرد.
معاون اجرایی رییس‌جمهور، در عین حال مدعی شد پرداخت ماهانه ۸۰ هزار میلیارد تومان کالابرگ بخشی از فشار ناشی از این افزایش قیمت‌ها را جبران می‌کند و تورم ۱۲۳ درصدی مواد غذایی به‌طور کامل به مردم تحمیل نشده است.
قائم‌پناه عملکرد بانک‌ها را مهم‌ترین عامل «بیماری مزمن تورم» در ایران خواند و گفت بانک‌ها عامل اصلی تورم در ایران هستند. او در توضیح نقش بانک‌ها در ایجاد تورم گفت بخشی از کسری آن‌ها زمانی شکل می‌گیرد که وام‌های پرداخت‌شده بازگردانده نمی‌شود و وثیقه دریافت‌شده نیز ارزش واقعی یا کافی ندارد. به گفته او، در چنین شرایطی بانک که قادر به بازپرداخت پول سپرده‌گذاران نیست، از بانک مرکزی استقراض می‌کند و بانک مرکزی نیز برای تامین این منابع به چاپ پول روی می‌آورد.
او تاکید کرد منظورش وام‌های خردی مانند وام ازدواج نیست و سپس «بانک آینده» را نمونه‌ای از عملکرد مسئله‌ساز بانک‌ها معرفی کرد. قائم‌پناه گفت برخی بانک‌ها پول سپرده‌گذاران را به‌جای فعالیت متعارف بانکی، صرف برج‌سازی و راه‌اندازی شرکت‌های متعدد کرده‌اند.
معاون اجرایی رییس‌جمهور بر همین اساس گفت که بانک‌ها عامل ۶۷ درصد تورم در ایران‌اند و یک‌سوم باقی‌مانده نیز عمدتا از کسری بودجه دولت ناشی می‌شود. او، صریحا گفت: «به‌دلیل این‌که بودجه‌مان ناتراز است، مجبوریم پول چاپ کنیم. پول که چاپ می‌شود، خودش تورم ایجاد می‌کند. تا این دو مورد حل نشود، تورم کماکان ادامه دارد.»
او جنگ را سومین عامل تشدید تورم دانست و افزود: «حالا مزید بر این‌ها، جنگ هم اضافه شده است. در هیچ جای دنیا امکان ندارد شما جنگ داشته باشید و تورم نباشد.»
این اظهارات در حالی مطرح شده که عبدالناصر همتی، رییس‌کل بانک مرکزی، روز سه‌شنبه ادعای کمبود منابع ارزی و احتمال فروپاشی اقتصاد ایران را رد کرد و گفت بانک مرکزی آماده است برای مهار بازار تا دو میلیارد دلار ارز عرضه کند.
همتی افزایش اخیر نرخ ارز را بیش از آن‌که ناشی از «عوامل واقعی» باشد، نتیجهٔ فضای روانی خواند و گفت هفته گذشته نیز ۵۰۰ میلیون دلار به بازار اختصاص یافته است.

اما مسعود نیلی، عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف، روز ۲۹ تیرماه در سخنرانی‌اش در همایش موسوم به «چشم‌انداز اقتصاد ایران ۱۴۰۵»، گفت ایران اکنون در مرحله مابین تورم «مزمن» و «آبرتورم» است.
این سخنان هم‌زمان با ادامه جهش قیمت ارز بیان شده است. نرخ دلار در بازار آزاد ایران روز سه‌شنبه ۱۰ شهریور از ۲۱۲ هزار تومان عبور کرد .
این وضعیت باعث شده است که حتی تخم مرغ نیز از سفره کارگران و مردم فقیر حذف شده است. قیمت تخم‌مرغ در تهران با اختلافی چشم‌گیر میان مناطق مختلف عرضه می‌شود و بنا بر گزارش اقتصاد۲۴، هر شانه تخم‌مرغ در برخی نقاط حدود ۴۶۰ هزار تومان و در برخی مناطق تا ۸۰۰ هزار تومان قیمت دارد؛ اختلافی نزدیک به ۷۰ درصد.
سمیه گلپور، فعال کارگری و رییس پیشین کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، هشدار داده است که تخم‌مرغ، که سال‌ها یکی از ارزان‌ترین منابع پروتئین برای خانواده‌های کم‌درآمد بود، اکنون در حال خروج از سبد مصرف آنان است. به گفته او، این روند می‌تواند نشانه‌ای از تشدید فقر غذایی باشد.
گلپور اختلاف شدید قیمت‌ها را تنها ناشی از هزینه حمل‌ونقل، اجاره و توزیع نمی‌داند و آن را نشانه ضعف نظارت، تعدد واسطه‌ها و نبود شفافیت در زنجیره توزیع می‌خواند. او می‌گوید تحریم و افزایش هزینه تولید می‌تواند متوسط قیمت را بالا ببرد، اما نمی‌تواند اختلاف گسترده قیمت یک کالای داخلی در مناطق مختلف یک شهر را توضیح دهد.
این هشدار در شرایطی مطرح می‌شود که دستمزدها از رشد هزینه مواد غذایی عقب مانده‌اند و افزایش قیمت کالاهای اساسی، فشار بیش‌تری بر خانوارهای کارگری، بازنشستگان و سایر گروه‌های کم‌درآمد وارد کرده است.

محاصره دریایی آمریکا صادرات نفت ایران را به پایین‌ترین سطح ثبت‌شده رسانده است. بر اساس داده‌های Kpler، Vortexa و TankerTrackers، از زمان برقراری دوباره محاصره در ۱۴ ژوئیه، هیچ محموله عمده تازه نفت خام ایران نتوانسته از تنگه هرمز عبور کند و به چین، بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، برسد. رویترز می‌نویسد محاصره در چند هفته اثری بر صادرات گذاشته که سال‌ها تحریم اقتصادی نتوانسته بود ایجاد کند. برآوردهای Kpler و Vortexa ، نشان می‌دهد ایران در ماه اوت روزانه تنها حدود ۲۲۰ تا ۲۵۵ هزار بشکه نفت خام و میعانات بارگیری کرده است؛ در حالی که این رقم در ژوئیه حدود ۷۴۰ هزار بشکه و در ماه مارس نزدیک به دو میلیون بشکه در روز بود. تحلیل‌گران می‌گویند حتی در اوج سیاست «فشار حداکثری» آمریکا در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ نیز صادرات نفت ایران برای چنین مدت طولانی به نزدیک صفر نرسیده بود.
چین هنوز می‌تواند از ذخایر شناور نفت ایران در آب‌های آسیایی خرید کند، اما این ذخایر به دلیل محاصره قابل جایگزینی نیستند. نفتکش‌هایی که محموله خود را در آسیا تخلیه می‌کنند نیز دیگر به‌آسانی نمی‌توانند برای بارگیری دوباره به بنادر ایران بازگردند. هم‌زمان ده‌ها میلیون بشکه نفت ایران در نفتکش‌های داخل یا اطراف تنگه هرمز انباشته شده است.
کاهش درآمدهای نفتی می‌تواند دولت را به تامین هزینه‌ها از طریق افزایش نقدینگی سوق دهد و فشار تورمی را بیش‌تر کند؛ در شرایطی که ارزش ریال نیز طی هفته‌های اخیر به پایین‌ترین سطوح تاریخی رسیده است.
مقام‌های جمهوری اسلامی در مقابل، تاثیر محاصره را کم‌تر از آن‌چه منابع ردیابی نفتکش‌ها گزارش می‌کنند ارزیابی کرده‌اند و می‌گویند ایران هم‌چنان راه‌هایی برای صادرات نفت دارد. تهران هم‌چنین بارها هشدار داده است اگر صادرات نفت ایران از خلیج فارس متوقف شود، صادرات دیگر کشورهای منطقه نیز در امان نخواهد ماند.
این تهدید در حالی مطرح می‌شود که تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز به‌شدت کاهش یافته و دو ابرنفتکش حامل نفت عربستان نیز شامگاه دوشنبه هنگام خروج از تنگه هدف پرتابه‌های ناشناس قرار گرفتند. مسئولیت این حملات هنوز مشخص نشده است.
به این ترتیب، تنگه هرمز اکنون نه فقط میدان رویارویی نظامی ایران و آمریکا، بلکه مرکز نبرد بر سر درآمد ارزی ایران و امنیت انرژی جهان شده است. اگر محاصره ادامه پیدا کند و ذخایر شناور ایران در آسیا کاهش یابد، توان تهران برای فروش نفت به چین در هفته‌های آینده می‌تواند بیش از این محدود شود.
مقام‌های آمریکایی گفتند ارتش ایالات متحده در جریان دور جدید حملات خود که روز سه‌شنبه انجام شد، دو نفت‌کش متعلق به دولت ایران را هدف قرار داده است. این نخستین باری است که ارتش آمریکا به‌عنوان پاسخ به حملات ایران علیه کشتی‌ها در تنگه هرمز، نفت‌کش‌های ایرانی را مورد حمله قرار می‌دهد. نه برای جلوگیری از نقض محاصره دریایی توسط آن‌ها.

با این حال، رییس‌جمهور آمریکا در پی تشدید تنش‌ها و حملات متقابل ایران و آمریکا، شامگاه سه‌شنبه ۱۰ شهریور–۱ سپتامبر، در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» اعلام کرد که برخلاف گزارش شبکه «ای‌بی‌سی»، قصد ندارد جمهوری اسلامی را به بازگشت به میز مذاکره وادار کند.
ترامپ نوشت امضای توافقی که به گفته او از نظر حکومت ایران «بی‌ارزش» است، برایش اهمیتی ندارد و موقعیت کنونی آمریکا را به دستیابی به توافق ترجیح می‌دهد.

رییس‌جمهوری آمریکا در ادامه پیام خود نوشته است «ایالات متحده تقریبا کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار دارد و اقتصاد ایران نیز کاملا در حال فروپاشی است.» او شرایط کنونی جمهوری اسلامی را بخشی از روندی اجتناب‌ناپذیر توصیف کرد. ترامپ در پایان پیام خود خطاب به مردم ایران پرسید: «مردم ایران چه زمانی قرار است قیام کنند و بجنگند؟»

در خیزش دی ماه ۱۴۰۴–ژانویه ۲۰۲۶، پیش‌درآمد جنگی بود که اسرائیل و آمریکا در ۹ اسفند ۲۸–۱۴۰۴ فوریه ۲۰۲۶ با جمهوری اسلامی آغاز کردند. رضا پهلوی و به پشتگرمی وعده‌های موساد و رییس جمهور آمریکا به راه افتاد. و اعدا کرد: ۵۰ هزار نظامی ایرانی با من در ارتباط هستند. در اثر فراخوان‌ها و وعده‌های ترامپ و اسرائیل، موساد و رضا پهلوی، برخی معترضین، حتی به مراکز نظامی–اداری حکومتی حمله کردند اما با کشتارهای مامورین جنایت‌کار جمهوری اسلامی مواجه شدند. در نتیجه، آن‌هایی که به این وعده‌ها دل‌خوش کرده بودند در حالی که هیچ کمکی به آن‌ها نرسید و همه وعده‌ها توخالی بود هم‌زمان با جنگ و ویرانی آمرکای و اسرائیل مواجه شدند. طبیعتا، خانواده‌هایی که عزیزان خود را در دی ماه از دست دادند هم‌زمان جمهوری اسلامی، ترامپ و نتان‌یاهو، موساد و رضا پهلوی نیز عامل قربانی‌شدن فرزندان خود می‌دانند. بنابراین، اکنون به‌نظر می‌رسد ترامپ بازهم همین وعده‌هارا زمزمه می‌کند: «مردم ایران چه زمانی قرار است قیام کنند و بجنگند؟»

در آغاز، کارشناسان و تحلیل‌گران درباره چگونگی به راه افتادن مردم در خیابان‌ها، گستردگی آن و به خشونت کشیده شدنش نظرپردازی‌های گوناگون می‌کردند. بسیاری از آنان، آن را خیزشی خودانگیخته می‌دانستند. اما پیام رضا پهلوی با حمایت دولت اسرائیل و موساد در ۲۳ اسفند ۱۴/۱۴۰۴ مارس ۲۰۲۶ خطاب به «گارد جاویدان»، مسیر بهانه بزرگی به دست جمهوری اسلامی داد تا معرتضین را به بهانه وابستگی به آمریکا و اسرائیل، به خونین‌ترین شکلی کشتار کنند.

در پیام رضا پهلوی به «گارد جاویدان» از جمله آمده بود: «به شما، به شجاعت و فداکاری‌تان درود می‌فرستم. در سه ماه گذشته، هزاران تن از شما در هسته‌های کوچک اما مؤثر در سراسر ایران جلوه‌هایی درخشان از دلاوری آفریده‌اید. آن‌چه شما کرده‌اید برای سده‌ها روایت خواهد شد. ملت ایران فداکاری شما و بهایی را که به‌ویژه در ۱۸ و ۱۹ دی برای آزادی میهن پرداخته‌اید هرگز فراموش نخواهد کرد.» زمانی رضا پهلوی این فراخوان را داد که از یک هفته پیش مردم اعتراض خود را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده و در خیابان‌ها بودند.

اما در جنگی که آمریکا و اسرائیل در ۹ اسفند ۲۸/۱۴۰۴ فوریه ۲۰۲۶ آغاز کردند، دیگر سخنی از رضا پهلوی و «گارد جاویدان» در میان نبود. در عوض، بازیگران دیگری می‌بایست وارد صحنه شوند. افشاگری‌های بعدیِ مقام‌های امنیتی اسرائیل و گزارش‌های روزنامه‌نگاران تحقیقیِ آن کشور در ماه‌های گذشته نشان می‌دهند که نتانیاهو و به درخوست او، ترامپ، با هدف‌های معین وارد این جنگ شدند.

برپایه طرحی که موساد ریخته بود، جنگ می‌بایست به سرنگونی جمهوری اسلامی بینجامد. با این حال، هم موساد و هم ارتش اسرائیل بر این عقیده بودند که تنها با حمله هوایی نمی‌توان حکومت را سرنگون کرد. بنابراین، در طرح موساد، عملیات مشترکی میان نیروهای اسرائیلی، آمریکایی و برخی نیروهای کرد ایرانی مستقر در عراق پیش‌بینی شده بود. به گزارش «آی ۲۴ نیوز» قرار بود شبه‌نظامیان کرد مستقر در اقلیم کردستان عراق با حمله زمینی به خاک ایران، راهی سرراست به‌سوی تهران بگشایند.

نخستین حملات در ۹ اسفند ۲۸/۱۴۰۴ فوریه ۲۰۲۶ علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، و مقام‌های بلندپایه دستگاه اطلاعات داخلی ایران را هدف قرار دادند. با این حال، هم‌زمان با حملات هوایی به دستگاه‌های امنیتی حکومت در تهران، جنگنده‌های اسرائیلی از همان روز نخست بر مناطق کردنشین نیز متمرکز شدند و تاسیسات نظامی، پدافند هوایی، پایگاه‌های پلیس و دیگر نهادهای دولتی را در مرزهای غربی کشور بمباران کردند.

به گفته «ناداو اِیال»، روزنامه‌نگار سرشناس «یدیعوت آحارونوت»، دولت اسرائیل حتی پرچم‌های حکومت پیشین ایران را با نقش شیرو خورشید در اختیار متحدان کرد خود قرار داده بود و از آنان خواسته بود مبادا با برافراشتن نمادهای جدایی‌طلبانه، احساسات ملی ایرانیان را برضد خود برانگیزند.

رونُن بِرگمَن، روزنامه‌نگار تحقیقی اسرائیلی، در مصاحبه‌ای که با روزنامه «لوموند» کرده، می‌گوید: برپایه طرح موساد، حدود ۱۰۰ ساعت پس از ترور رهبر جمهوری اسلامی، قرار بود نیروی هوایی اسرائیل کریدوری در غرب کشور برای ورود شبه‌نظامیان کرد بگشاید، سپس از پیشروی آنان به سوی تهران محافظت هوایی کند. حملات هوایی گسترده می‌بایست توانایی حکومت را برای تلافی‌جویی از راه شلیک موشک به خاک اسرائیل کاهش دهد.

روزنامه‌نگار تحقیقی اسرائیلی می‌افزاید: کارزار گسترده‌ای نیز برای برانگیختن تظاهرات در شهرهای ایران در گرماگرم جنگ پیش‌بینی شده بود. قرار بود کسانی از نزدیک، صحنه بمباران پایگاه‌ها و مواضع «بسیج» و تاسیسات امنیت داخلی را فیلمبرداری و سپس در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پخش کنند. زیرساخت‌های حیاتی دیگری نیز می‌بایست هدف حملات هوایی یا سایبری قرار گیرند. آن‌گاه شبه‌نظامیان کرد و سپس محمود احمدی‌نژاد می‌بایست وارد صحنه شوند.

به گفته یک منبع نزدیک به ارتش اسرائیل، محمود احمدی‌نژاد، رییس‌جمهور پیشین ایران، از سال ۱۴۰۲ شمسی/۲۰۲۴ میلادی، توجه اسرائیلی‌ها را به خود جلب کرده بود. او پس از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش در مقام صریح‌ترین منتقد نظام ظاهر شده بود و خود رادر این مقام تثبیت کرده بود.

گویا او در حصر خانگی بود، اما گه‌گاه برای سخنرانی به خارج از کشور سفر می‌کرد. به گزارش نیویورک تایمز، در اوایل سال ۲۰۲۴ احمدی‌نژاد با دیوید بارنیا، رییس وقت موساد، در بوداپست دیدار کرد. رییس موساد دراصل برای دیدار با او به پایتخت مجارستان رفته بود. البته، دفتر احمدی‌نژاد همه این ادعاها را رد کرد. اما این را دیگر نمی‌توان انکار کرد که هواپیماهای اسرائیلی در همان روز اول جنگ، محل اقامت او را در تهران بمباران کردند و معلوم شد که هدف نه

خود او، بلکه محافظان او بودند. گفته می‌شود چند دقیقه پس از حمله، خودرویی وارد مجتمع محل اقامت احمدی‌نژاد شد، او را از محل خارج و به خانه‌ای امن منتقل کرد.

در سناریوی موساد، احمدی‌نژاد، در واقع، بازیگر آخرین صحنه بود. او قرار بود در گرماگرم جنگ، نزدیک شدن گروه‌های مسلح کرد به تهران و شور و آشوب تظاهرات، ناگهان ظاهر شود و مخالفان درون نظام را دور خود جمع کند و زمام امور کشور را در دست بگیرد.

سناریوی موساد به سبب دودلی‌های ترامپ و سپس، مخالفت او با ورود شبه‌نظامیان کرد به خاک ایران اجرا نشد. او از همان شب دوم یا سوم عملیات، با ورود نیروهای کرد به ایران مخالفت کرد و چند روز بعد، در هواپیمای ریاست جمهوری به خبرنگاران گفت که نمی‌خواهد کردها به ایران حمله کنند.

به گفته «آصف کوُهِن»، رییس پیشین دفتر ایران در اداره اطلاعات ارتش اسرائیل، بدین‌سان همه چیز اشتباه پیش رفت و طرح موساد نقش بر آب شد. «آونِر ویلان»، افسر اطلاعاتی سابق اسرائیل و متخصص امور ایران، با تاسف می‌گوید: جمهوری اسلامی از تنها تهدید معتبری که دهه‌ها بر سر آن سایه افکنده بود، جان سالم به در برد.

بنابر گزارش رسانه‌های اسرائیل، رومن گوفمن، رییس موساد، دو نفر از بلندپایه‌ترین مقام‌های این سرویس جاسوسی را که گفته شده است از «معماران طرح ناکام سرنگونی حکومت ایران» بوده‌اند برکنار کرده است.

کانال۱۲ اسرائیل گزارش داده است که یکی از این دو مقام، از ماه دسامبر گذشته(آذر ۱۴۰۴)، رییس اداره اطلاعات موساد و دیگری رییس بخش ایران در این سرویس جاسوسی بوده است. نام هیچ‌یک از این دو مقام در گزارش این شبکه تلویزیونی اسرائیل ذکر نشده است.

بنابراین، گزارش دو مقام برکنار شده از «معماران طرح عملیاتی مکتوبی» بوده‌اند که هدف آن سرنگونی جمهوری اسلامی ایران با کمک گروه‌های کرد و تحریک اعتراضات گسترده بوده است؛ همان طرحی که روزنامه نیویورک تایمز هم پیش‌تر جزئیاتی از آن را گزارش داده بود.

گزارش شده است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در جریان تلاشش برای متقاعد کردن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای حمله به ایران در اسفند ماه، همین طرح را به او ارائه کرده بود.

ریاست موساد در آن زمان بر عهده داوید برنع بود که در ماه ژوئن سال جاری، جای خود را به رومن گوفمن داد. مقام‌های امنیتی به کانال۱۲ گفتند که بعد از ریاست گوفمن بر موساد، این دو مقام برکنارشده نتوانستند رابطه کاری مفیدی با او برقرار کنند و پایان حضورشان در این دو سمت با موافقت دوجانبه بوده است. بنابر این گزارش این تغییرات در چارچوب اصلاحاتی گسترده‌تر در موساد صورت می‌گیرد.

با این حال کانال۱۲، کنار رفتن این دو مقام از سمت‌هایشان را مستقیما با نقش آن‌ها در تدوین طرح اسرائیل برای سرنگونی جمهوری اسلامی مرتبط دانسته است. بنابر گزارش نیویورک تایمز، در طرح موساد پیش‌بینی شده بود که اسرائیل با حمله به مواضع نظامی ایران در نزدیکی مرز عراق، راه را برای نفوذ نیروهای کرد هموار کند.

موساد انتظار داشت که هزاران جوان کرد به این نیروها بپیوندند و نهایتا جنبشی بزرگ به راه بیفتد که به تهران هم گسترش پیدا کند. بنابر گزارش‌ها موساد هم‌چنین پیش‌بینی می‌کرد که میلیون‌ها معترض هم در نتیجه این تحولات ترغیب شوند که برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی به خیابان‌ها بیایند.

نیویورک تایمز، هم‌چنین یک ماه پیش گزارش داده بود که اسرائیل از چند سال قبل پروژه‌ای برای تغییر رژیم در ایران با همکاری محمود احمدی‌نژاد داشته است. ادعایی که دفتر رییس‌جمهور پیشین ایران آن را «سناریوهای مضحک» و «ادعاهای هالیوودی» خواند و تکذیب کرد.

بنابر گزارش نیویورک تایمز، بنیامین نتیانیاهو در ۱۱ فوریه ۲۰۲۶، ۱۷ روز پیش از آغاز جنگ، طرح تغییر حکومت در ایران را در جلسه‌ای به دونالد ترامپ ارائه کرد و یک روز بعد در جلسه‌ای که رییس جمهور آمریکا با مشاورانش داشت، رییس سیا این طرح را «مضحک» توصیف کرد؛ با این حال دونالد ترامپ بعد از چندین جلسه با مشاورانش و سبک‌سنگین کردن جوانب مختلف، در نهایت تصمیم به صدور فرمان حمله گرفت.

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که اکنون بعید به‌نظر می‌رسد باز هم کسی و یا کسانی با وعده پوچ و بی‌معنی ترامپ و یا اسرائیل و رضا پهلوی، به قتل‌گاه جمهوری اسلامی ایران بروند! اما شکی نیست که این مردم رنج‌دیده و دردمند، هم‌زمان با جنگ مخالفند و در عین حال، هرگز از مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی دست نمی‌کشند. در نتیجه این‌بار و با بهره‌گیری از تجارت منفی و مثبت مبارزه تاکنون خود، سازمان‌یافته‌تر و آماده‌تر و هوشیارتر از گذشته دست به اعتراض و اعتصاب بزنند.

خبرگزاری رویترز، سه گزینه احتمالی ایران برای تلافی به حملات نظامی و فشارهای اقتصادی آمریکا را بررسی کرده است. در شش ماه پسین، ایران بارها در پاسخ به حملات آمریکا، به کشورهای خلیج فارس حمله کرده و تهدید نموده که به هر کشوری که برای خفه کردن اقتصاد ایران با آمریکا همکاری کند، حمله خواهد کرد. از زمان آغاز جنگ در ۲۸ فوریه، تهران بارها به کشورهای خلیج فارس و اردن حمله کرده است. این کشورها عمدتا میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا هستند، اما حملات تهران زیرساخت‌های انرژی و اهداف دیگر در این کشورها را نیز مورد اصابت قرار داده است.

رویترز توضیح داده است که هرگونه حمله شدید تهران به تاسیسات بالادستی نفت یا گاز در کشورهای خلیج فارس، می‌تواند قیمت جهانی انرژی را به‌گونه قابل‌توجهی افزایش دهد؛ استراتژی که آسیب آن به‌گونه غیرمستقیم متوجه دولت ترامپ خواهد شد.

هدف قرار دادن نیروگاه‌های برق و آب شیرین‌کن در منطقه گرم و خشک، خطر بزرگی را برای پادشاهی‌های خلیج فارس که متحد آمریکا هستند و به‌عنوان قطب‌های مالی مهم برای اقتصاد جهانی عمل می‌کنند، ایجاد می‌کند.

در حالی که ایران با تشدید دوباره جنگ، سقوط ارزش ریال و افزایش فشارهای اقتصادی روبه‌رو است، طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه دست‌کم ۱۸ تجمع، اعتصاب و تحصن صنفی در نقاط مختلف کشور گزارش شده است. کارکنان صنعت نفت، کادر درمان، بازنشستگان، رانندگان، پیمانکاران شهری، متقاضیان مسکن و سهامداران معترض در مجموعه‌ای از حرکت‌های جداگانه خواستار پرداخت مطالبات، اصلاح دستمزدها و پاسخگویی نهادهای دولتی و عمومی شده‌اند. هرانا شمار این تجمع‌ها را دست‌کم ۱۸ مورد اعلام کرده است.

روز ۹ شهریورماه، جمعی از جوانان جویای کار در گچساران در اعتراض به تبعیض و روند استخدام نیرو در مقابل پالایشگاه تازه تاسیس لیشتر دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع با یورش وحشیانه و تیراندازی نیروهای انتظامی برای متفرق کردن تجمع‌کنندگان روبه‌رو شد و طبق گزارشات در جریان آن یک نفر از جوانان مجروح شده است. این جوانان قبلا نیز با خواست اشتغال به کار در این محل تجمع کرده بودند.

در این روز، هم‌چنین تجمع جوانان جویای کار در مقابل شرکت کشت و صنعت نیشکر «دعبل خزاعی» در ... مورد تیراندازی سرکوبگران حکومت قرار گرفت. این جوانان از روستاهای موران و عمیشیه بزرگ در اعتراض به تبعیض در استخدام توسط مسئولین شرکت نیشکر دعبل خزاعی برای سومین روز تجمع کرده بودند. در این‌جا هم نیروهای انتظامی حکومت وحشی اسلامی اقدام به ضرب‌وشتم و تیراندازی به‌سوی جوانان کردند. گزارش دقیقی از شمار زخمی‌شدگان و بازداشت‌شدگان در این یورش وحشیانه در دست نیست.

یکی از معترضان شرکت‌کننده در این تجمع، گفته است: «این جوانان همه گرسنه هستند، هیچ‌کس ما را استخدام نمی‌کند... ما کار می‌خواهیم.» جوانان معترض خواهان کار هستند و تنها نصیب آن‌ها و مردم منطقه از این مراکز تولیدی، آلودگی محیط زیست و به جای نان، گلوله نصیب جوانان می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران، با چنان بحران و یک اقتصاد ورشکسته روبه‌روست که دود آن بیش از هرکس به چشم مردم کارگران و بیکاران، بازنشستگان و مردم محروم جامعه می‌رود. اعتراضات در صنایع نفت و در بخش‌های مختلف پرستاران و یا بازنشستگان هر روز گسترده‌تر می‌شود. در این فضای ملهتب، جمهوری منفور اسلامی، هم‌چون گذشته در تلاش است با توحش مانع گسترش اعتراضات شود. حکومتی که جوانان جویان کار را به گلوله می‌بندد، نشان‌دهنده اوج وحشت و هراس حکومترا از مردم و تجمعات اعتراضی آن‌ها است.

چهارشنبه یازدهم شهریور ۱۴۰۵–دوم سپتامبر ۲۰۲۶